

## دومین پرسش و پاسخ در باره امور پناهندگی، مهاجرت، ازدواج

مترجم: ناصر ایرانپور (مترجم دادگستری)

پاسخ دهنده: خانم کالستر (وکیل دادگستری)

الف) در ارتباط با آخرین سوالات قبلی مان از شما، مجدداً با سوالات دیگری روبرو شدیم که ممنون خواهیم شد، به آنها پاسخ دهید:

۱. کسی که می‌خواهد از همسرش که در ایران زندگی می‌کند مطلقه و جدا شود، چه کار باید بکند؟

طلاق، هم می‌تواند در ایران صورت پذیرد و هم در آلمان. پروسه طلاق در ایران چگونه است، من نمی‌دانم. چنانچه قرار باشد که این طلاق در آلمان انجام شود، باید برای اینکار به وکیل مراجعه نمود، تا وی درخواست رسمی طلاق را از دادگاه بنماید.

۲. برای رسمیت بخشیدن به طلاق که در ایران صورت گرفته چکاری را باید در آلمان انجام داد؟ چه مدارکی لازم است؟ در این ارتباط واژه Legalisierung («تأیید اسناد از سوی اداره مافوق») به چه معناست؟ کل پروسه چقدر طول می‌کشد؟

چنانچه هر دوی زوجین شهروند ایرانی باشند، این طلاق لازم نیست که در آلمان علی‌الاصول به رسمیت برسد. البته باید آن را به ادارات ذیربط چون اداره خارجیان، اداره ثبت نام و محل زندگی اهالی (Einwohnermeldeamt)، اداره تأمین اجتماعی یا اداره کار اطلاع داد. معمولاً برای اینکار ارائه سند طلاق و ترجمه آن کافی است. چنانچه یکی از زوجین شهروند آلمانی باشد، باید به اداره ثبت احوال (Standesamt) نیز خبر داد، تا وضعیت تأهل در دفترچه خانوادگی (Familienbuch) در آنجا تغییر یابد. و این اداره است که در حال عادی طالب Legalisierung سند طلاق می‌باشد. Legalisierung به معنی تأیید ارگان بالاتر است. سفارت آلمان با عمل Legalisierung درستی محتوای سند را تأیید نمی‌کند، بلکه تنها تأیید می‌کند که مدرک مزبور از سوی ارگان مربوطه صادر شده است. (در این ارتباط حتماً به اطلاعیه مربوطه سفارت آلمان که ما اصل و ترجمه شده آن را در همین سایت در اختیار ایرانیان قرار می‌دهیم، توجه فرمائید).

ب) وزارت داخله ایالت نوردراین وستفالن در Erlass (توقیع/بخشنامه/حکم) مورخه ۲۱ ژولای ۲۰۰۶ (به شماره ۱۵-۲-۳۹.۱۰۰.۰۱ ازدواج) موازین اجرایی جدیدی را در ارتباط با اعطای اقامت یا دولدونگ در صورتی که متقاضی قصد ازدواج داشته باشد، معین نموده است. برای فهم بهتر این مصوبه توضیحات شما روی موارد و نکات ذیل بسیار کمک‌کننده خواهند بود. اما ابتدا چند سوال مقدماتی:

۱. اساساً Erlass چیست و چه اشخاص و سازمانها و اداراتی می‌توانند حکم/بخشنامه صادر کنند؟  
فرق بین Erlass و قانون در چیست؟ چه موقعی Erlass صادر می‌شود و صدور آن چه شرایط (روند،  
مراحلی) را باید داشته باشد؟

«ارلاسه» (بخشنامه‌ها/احکام) موازین اداری هستند. Erlass مقرره‌ای است که از طریق آن یک اداره بالاتر به یک یا چند اداره پایین‌تر رهنمودها و دستورهای عمومی برای کار داخلی می‌دهد. این موازین اداری علی‌القاعده از سوی وزارتخانه‌های مربوطه داده می‌شوند و در خدمت معین و واحد نمودن امور و اصول کار اداری قرار دارند. فرق آن هم با قانون در همین است. یک قانون همواره تأثیر خارجی (خارج از حوزه اداری) دارد، درحالیکه این تأثیر خارجی را Erlass ندارد و بدین ترتیب نرم و هنجار قانونی و حقوقی نیست. این موازین داخلی اداری ابتدائاً برای دادگاهها اجباری و لازم‌الاجرا نیستند. البته به ویژه حکمهای کشدار بخاطر لازم‌الاجرا بودن اصل برابری بطور غیرمستقیم از یک لحاظ لازم‌الاجرا هستند؛ آن هم از این نظر که هیچ اداره‌ای حق ندارد در مورد هیچ مورد یا درخواستی را بدون دلیل و بررسی عینی و بی‌طرفانه خارج از چهارچوب این حکم یا در تضاد به عملکرد تاکنونی اداری به زیان شهروند تصمیم بگیرد.

۲. ادارات و کارمند چگونه از این حکم باخبر می‌شوند؟

این حکم و بخشنامه‌ها به ادارات تحتانی و دادگاهها، در امور خارجیان همچنین به سندیکای تشکلات خیریه فرستاده خواهد شد.

۳. چنانچه این حکم یا بخشنامه به نفع شهروندان باشد، اما آنها از چنین موازین جدیدی باخبر  
نباشند، برخورد چه خواهد بود؟

چون بخشنامه‌ها قانون نیستند، بلکه موازین داخلی اداری هستند، آنها در روزنامه قوانین و آئین‌نامه‌ها (Gesetz- und Verordnungsblatt) انتشار نمی‌یابند، بلکه انتشار آنها در نشریات Staatsanzeiger و Amtsblatt صورت می‌پذیرد. این احکام برای ادارات لازم‌الاجرا هستند. بنابراین هر یک از کارمندان باید این احکام و بخشنامه‌ها را اجرا کند و از آنها پیروی کند. آنها همچنین بر طبق پاراگراف ۲۵ قانون نظام اداری (VerwVfG) موظفند آگاه سازند و اطلاعات لازم را بدهند.

۴. این بخشنامه وزارت داخله ایالت نورد راین وستفالن که که فوقاً از آن سخن رفت، برای پناهجویان دولدونگی به چه معنی است؟ برخی از پناهجویان چنانچه قصد خود برای ازدواج را با اداره خارجیان در میان بگذارند و گذرنامه کشور خود را بگیرند، نگران برگرداندنشان به کشورشان هستند و یا نگران این هستند که موظف و مکلف گردانده شوند که خاک آلمان را برای مدتی ترک کنند، برای اینکه بعداً بتوانند با دعوتنامه مجدداً به آلمان بیایند. این نگرانیها چقدر موجه و واقعی هستند؟

صرف قصد ازدواج ابتدائاً منجر به این نمی‌گردد که ادارهٔ خارجیان بر طبق بخشنامهٔ مورخهٔ ۲۱ ژولای ۲۰۰۶ به پناهجو دولدونگ بدهد. بخشنامه در این مورد هیچ کمکی به خارجی از لحاظ دپورت و برنگرداندن وی نمی‌کند. این بخشنامه آن هنگام به وی کمک می‌کند و بر طبق آن وی را دپورت نمی‌کنند که وی در آستانهٔ ازدواج باشد، یعنی چیزی به ازدواج وی باقی نمانده باشد. این امر قطعاً زمانی صادق است که زمان (Termin) ازدواج معین شده باشد. دادگاهها این امر را مقداری به نفع پناهجو وسعت داده‌اند و می‌گویند ما همچنین ازدواجی را در آستانهٔ انجام شدن می‌بینیم که مدارک لازم بطور کامل به ادارهٔ ثبت احوال (Standesamt) تحویل داده شده باشند. بنابراین احکام دادگاههای آلمان حکم ۲۱ ژولای ۲۰۰۶ را رعایت می‌کنند.

## پرسشهای حقوقی در مورد پناهندگی

ترجمه از ناصر ایرانپور (مترجم دادگستری)

توضیحات از مانوئل کایس (وکیل دادگستری)

### ۱. آیا هر کسی می‌تواند قبلاً معرفتی خود به اداره پناهندگی وکیل بگیرد؟

البته که هر پناهجو می‌تواند قبل از درخواست پناهندگی خود پیش یک وکیل برود. این کار حتی منطقی هم است، چون هنگام مراجعه به اداره پناهندگی می‌توان دلایل پناهندگی را بصورت کتبی ارائه نمود. در چنین حالتی مصاحبه‌گر اداره پناهندگی قبلاً مطلع می‌گردد که موضوع چیست. بنابراین وکیل، چنانچه پناهجویی به وی مراجعه نمود، نباید تنها به این اکتفا کند که برای اداره پناهندگی بنویسد که موکل وی «تحت تعقیب سیاسی بوده و به همین جهت درخواست پناهندگی می‌نماید و خود دلایل پناهندگی‌اش را حضوری بیان خواهد نمود». طبیعتاً این کار هیچ فایده‌ای در بر نخواهد داشت. وظیفه وکیل این می‌باشد، در مورد موضوع تحقیقات لازم را بعمل آورد و مسائل حقوقی مربوطه را در همان آغاز دادرسی پناهندگی روشن سازد (ورود به آلمان از یک کشور امن؟ دادرسیهای قبلی پناهندگی (برای تنظیم دادرسی خیلی مهم است!)؛ دلایل پناهندگی: تعقیب دولتی یا غیردولتی؟ موانع بازگشت مانند بیماری؟ مدارک اثباتی قابل دسترسی؟ جریان پناهندگی بستگان؟)

### ۱. فاصله زمانی بین ورود به آلمان و معرفتی خود برای پناهندگی چقدر باید باشد؟

بر اساس احکام دادگاههای آلمان علی‌القاعده باید درخواست پناهندگی بلافاصله پس از آمدن به آلمان ارائه گردد. منظور این است که در فاصله دو هفته پس از ورود به آلمان درخواست پناهندگی باید ارائه شود. در صورتیکه در این کار تأخیر صورت گیرد، باید دلیل قانع‌کننده‌ای برای آن ارائه گردد. البته اداره پناهندگی خیلی به ندرت درخواست کسی را به خاطر تأخیر در ارائه آن رد نموده است.

### ۲. آیا می‌توان برای مصاحبه در اداره پناهندگی وکیل خود و یا یک شخص مورد اعتماد را به همراه خود برد، مثلاً چنانچه

کسی به دلایل روحی قادر نباشد به تمام سوالات پاسخ دهد؟ آیا شخص مورد اعتماد می‌تواند در مصاحبه توضیحات تکمیلی را ارائه کند؟ اصولاً شخص همراه چه حقوقی را در این مصاحبه‌ها دارد؟

در هر دادرسی و جریان دادگاهی در مقابل ادارات دولتی می‌توان وکیل داشت. وکیل حق حضور و دخالت را دارد. خارج از این امر، مصاحبه بر طبق پاراگراف ۶، ۲۵ قانون دادرسی پناهندگی علنی نیست. مصاحبه‌گر و یا رئیس اداره پناهندگی مجازند، اجازه حضور اشخاص دیگر را بدهند. منطقی این است که این امر قبل از مصاحبه به شیوه تلفنی یا کتبی روشن گردد. کمتر مصاحبه‌گری اجازه حضور اشخاص دیگری را در مصاحبه بصورت فی‌البداهه و اطلاع قبلی خواهد داد. این اشخاص همراه به هیچ وجه حق سوال و دخالت را ندارند و در بهترین حالت تنها می‌توانند توجه مصاحبه‌گر را به سوء تفاهمات احتمالی جلب کنند و یا بگویند که پناهجو می‌خواهد مسئله یا مسائل دیگری را هم عنوان کند.

### ۳. چکار می‌توان کرد، چنانچه این اعتقاد وجود داشته باشد که مترجم بی‌طرف نیست و یا از توان لازم برای ترجمه برخوردار نیست؟

اینکه مترجم چقدر توانمند است را نه پناهجو می‌تواند ارزیابی کند و نه وکیل. چون اداره پناهندگی الان دیگر در سراسر کشور با کسانی کار می‌کند که شغل مترجمی دارند، مشکلات کمی بوجود می‌آیند. مترجمی را که بر علیه سوگند و وظیفه خود با دقت و امانتداری کافی ترجمه نمی‌کند، می‌توان بخاطر جانبدار بودن رد نمود. تحت شرایطی حتی جرم هم مرتکب می‌شود، چنانچه آگاهانه چیزی را غلط و یا ناکامل ترجمه کند. مترجم تنها باید میانجی زبانی باشد و اجازه ندارد متقاضی را راهنمایی یا سرزنش کند.

### ۴. مثلاً من یک تکنیسین الکتروتنیک هستم، درخواست پناهندگی‌ام رد شده است. آیا از طریق تخصص امکانی برای گرفتن اقامت وجود دارد؟ در قانون جدید اقامت از اخذ اقامت از طریق کار و اشتغال سخن به میان آمده است. آیا می‌توان درخواست پناهندگی را پس گرفت و از این طریق تقاضای اجازه اقامت را نمود؟

اجازه اقامت برای اشتغال و کسب و کار تنها در موارد استثنائی اعطا می‌گردد، مثلاً برای کسانی که از تخصص عالی برخوردار هستند، دانشمندان، ورزشکاران حرفه‌ای. معمولاً اخذ اقامت کار مستلزم طی یک پروسه گرفتن ویزا می‌باشد. بنابراین گذر از پروسه پناهندگی به اجازه اقامت جهت اشتغال اکثراً میسر نیست. تنها در صورتی که گرفتن ویزا توقع بسیار بالایی باشد، از آن صرف نظر می‌گردد (پاراگراف ۵ بخش دو قانون اقامت).

### ۵. مثلاً من از وکیلیم راضی نیستم. در پاسخ به این سوال که آیا می‌توانم یا بهتر است وکیلیم را عوض کنم و چه کسی را بگیرم، اشخاص مختلفی توصیه‌های مختلفی را به من می‌کنند؛ یکی این وکیل را خوب ارزیابی می‌کند، دیگری آن وکیل را. طبق چه معیارهایی می‌توان گفت که چه وکیلی خوب است و چه وکیلی بد؟ چگونه می‌توان رابطه بین وکیل و موکل را تشریح نمود؟ و چه اتفاقی خواهد افتاد، چنانچه من مایل باشم، وکیلیم را عوض کنم؟ آیا مشکلی با وکیل قبلی برایم پیش خواهد آمد؟ چه اتفاقی برای پرونده و مدارکم که پیش این وکیل می‌باشد، خواهد افتاد؟ تکلیف هزینه‌ها و صورت حسابهایی که از وکیلیم گرفته‌ام چه خواهد شد؟ (این سوال بخشهای مختلفی چون پناهندگی، اجاره، بدهی‌ها، مالیاتها در برمی‌گیرد)

با اهمیت‌ترین چیز در رابطه بین وکیل و موکل اعتماد می‌باشد. موکل نه تنها باید بتواند به قابل اعتماد بودن وکیل از لحاظ شخصی و به علاقه وی برای حل مشکلات موکل اعتماد و اطمینان داشته باشد، بلکه همچنین به توانایی و تخصص شغلی وی. البته ارزیابی این مسئله برای خارجی‌ای که تازه وارد آلمان شده بسیار مشکل است. معیار برای ارزیابی و قضاوت می‌توانند اینها باشند: آیا وکیل وعده «آبی آسمان» [چیز غیرممکن] را می‌دهد («این کار و آن کار را حتماً درست می‌کنیم»، «اینها هیچکدام مشکل نیستند») و یا اینکه با دقت مشکلاتی را که تاکنون در پروسه دادرسی بوجود آمده‌اند بررسی و تشریح می‌کند و با صراحت کامل نظر خود را بیان می‌کند؟ آیا وکیل به دلایل پناهندگی به خوبی گوش فرا می‌دهد و در باره آنها سوالاتی را مطرح می‌سازد و یا اینکه به متقاضی تنها می‌گوید که «برو، همه چیز را در اداره پناهندگی تعریف کن»؟ آیا اولین بار که متقاضی پیش وکیل می‌رود، موفق به دیدن وی و صحبت با وی می‌شود و یا اینکه تمام کارها از طرف

منشی و کارکنان دفتر انجام می‌شود؟ در بسیاری مواقع مددکاران پناهندگی که در موسسات خیریه کار می‌کنند، راهنمایی‌های مفیدی در مورد گزینش وکیل می‌نمایند.

اصولاً هر زمانی می‌توان وکیل را عوض کرد. قراردادی که تحت نام «Geschäftsbesorgungsvertrag» بین وکیل و موکل بسته شده را نیز هر زمانی می‌توان فسخ نمود. نکته منفی آن: شما باید هم برای کارهای تاکتونی وکیل قبلی کارمزد بپردازید و هم برای کارهای وکیل جدید.

پرونده مایملک وکیل بوده و پیش وی خواهد ماند. البته «آئین‌نامه وکالت حقوقی فدرال» مقرر نموده که پرونده جهت رؤیت به وکیل جدید داده خواهد شد.

**۶. هزینه‌های وکیل به چه ترتیب است؟ آیا یک جدول هزینه‌های استاندارد واحد وجود دارد و یا هر وکیلی می‌تواند کارمزد خود را خود تعیین نماید؟ چرا برای نزاعهای قانونی تقریباً مشابه کارمزدهای مختلفی وجود دارند؟ کمک هزینه دادرسی چیست؟ چه کسی می‌تواند آن را درخواست کند؟ گفته می‌شود که خیلی از وکلا مایل نیستند، وقت خود را وقف اینکارها بکنند. آیا این حقیقت دارد؟ دلیل آن چیست؟ (این سوال هم بخشهای مختلفی چون خانواده، کار، پناهندگی، اجاره را دربرمی‌گیرد)**

اصولاً وکلا بر پایه «قانون کارمزد وکلای حقوقی» (RVG-Rechtsanwaltsgebührengesetz) کار می‌کنند. برای پروسه پناهندگی نیز موازین دیگری جز این قانون وجود ندارند. وکیل همچنین می‌تواند با موکل قراردادی برای اخذ کارمزد خود که Vergütungsvereinbarung نامیده می‌شود را بگذارد. این امر مثلاً زمانی اتفاق بیفتد، چنانچه قرار گذاشته شود که وکیلی از فرانکفورت به دادگاه اداری (پناهندگی) درسدن برود. طبیعی است که وکیل بسته به میزان صرف وقت و زحمات سفر و هزینه‌ها دستمزد خود را به حد مناسب بگیرد. با کارمزدهایی که قانون تعیین کرده، این هزینه‌ها پوشانده نمی‌شوند. کمک هزینه دادرسی را می‌توان در پروسه دادرسی و دادگاهی درخواست نمود. البته صرف ارائه درخواست به معنی این نیست که با آن موافقت می‌گردد. در مورد این امر دادگاه اداری (پناهندگی) بر اساس «وجود یا عدم وجود شانس کافی برای قبولی پناهجو» تصمیم می‌گیرد. در این اواخر با این درخواستها غالباً مخالفت می‌گردد. تا حکم دادگاه وکیل می‌تواند، پیشاپیش پرداخت کارمزد را از موکل بخواهد. این کار را هم باید انجام دهد، چون وی یک شغل آزاد را انجام می‌دهد و برای موکل خود کار می‌کند. این ریسک را که آیا دست آخر دولت هزینه‌های دادرسی وی را پرداخت می‌نماید، باید موکل بر عهده بگیرد و نه وکیل. خارج از این مسئله: تقریباً در تمام دادرسیهای پناهندگی صورت جلسه می‌گردد که هزاران دلار و یورو به قاچاقچی پرداخت شده و متقاضی به خاطر مسائل مالی و اقتصادی نیست که کشورش را ترک نموده، بلکه حتی از وضعیت مالی خوبی هم برخوردار بوده است. بنابراین چنانچه موکل می‌خواهد که وکیل حرفه‌ایش جدی بگیرد، باید انتظار این را هم از وی داشته باشد که بر طبق صحبت‌های خودش توانایی پرداخت حق وکیل را دارد. هر یک از وکلا تخصص جداگانه‌ای دارد. غیر از این نیز با توجه به حجم زیاد قوانین و مقررات نمی‌تواند باشد. شما باید وکیل خود را بر این اساس برگزینید که آیا وکیل در مورد مشکل شما اطلاعات و تخصص دارد یا نه، نه بر این اساس که وکیل به شما پیشنهاد ارزانی را بکند.

## فرق «پناهندگی بزرگ» (بر اساس قانون اساسی) با «پناهندگی کوچک» (بر اساس قانون اقامت) در چیست؟

پناهندگی یک حق پایه‌ای است که در مادهٔ ۱۶ آ قانون اساسی آلمان مندرج گردیده است. بر طبق این ماده، آنانی که تحت تعقیب سیاسی قرار گرفته‌اند، پناهندگی دریافت می‌دارند. البته این حق پایه‌ای در سالهای اخیر محدودیتهایی را گرفت. برای نمونه این حق دیگر شامل کسانی نمی‌شود که در کشور دیگر درخواست پناهندگی نموده‌اند یا می‌توانستند بکنند. بنابراین کسی که از یک کشور ثالث به اصطلاح امن می‌آید و یا از راه زمینی گذر کرده و به آلمان آمده، بر اساس قانون اساسی پناهندگی دریافت نمی‌دارد (پناهندگی بزرگ). بلکه بر اساس قانون اقامت (که در این حالت پناهندگی کوچک نام دارد و نسبت به پناهندگی بزرگ محدودیتهایی دارد). چرا که وی می‌بایست در کشور امنی که از آن گذر کرده، درخواست پناهندگی می‌نمود. بنابراین ادارات دولتی آلمان قادرند پناهجو را به آخرین کشوری که در مسیر آمدن به آلمان از آن عبور نموده، بازگردانند، چنانچه این کشور حاضر به تحویل گرفتن پناهجو باشد. البته اغلب مشخص نیست که پناهجو از کدام کشورها گذر نموده است، مثلاً برای اینکه پناهجو صاف و ساده حقیقت را کتمان می‌کند. در چنین صورتی آلمان باید دادرسی پناهندگی پناهجو را آغاز، درخواست پناهندگی را بدین منظور از وی تحویل بگیرد و بررسی کند که آیا وی به مضمون مندرج در کنوانسیون پناهندگی ژنف تحت تعقیب سیاسی قرار گرفته است یا نه. ممنوعیت بازگرداندن پناهجو مندرج در کنوانسیون نامبرده در بند یک پاراگراف ۶۰ قانون اقامت آلمان گنجانده شده است. در آخرین تغییرات وارده به موازین پناهندگی حوزهٔ کاربرد این مقرره وسعت داده شد، طوری که اکنون برعکس سابق حق پناهندگی شامل تعقیب غیردولتی و تعقیب جنسی نیز میگردد. با تغییراتی که در قانون پناهندگی داده شد و در اول ژانویهٔ ۲۰۰۵ به اجرا درآمد، تفاوت پناهندگی بر اساس این مقرره (بند یک پاراگراف ۶۰ قانون اقامت) با پناهندگی بر اساس قانون اساسی (مادهٔ ۱۶ آ) تقریباً ناپدید شد. پذیرفته‌شدگان بر اساس هر دو موازین قانونی ابتدا به مدت سه سال اجازهٔ اقامت (Aufenthaltserlaubnis) دریافت می‌دارند. پس از این سه سال بررسی خواهد شد که آیا دلایل پناهندگی همچنان پابرجا هستند و یا اینکه از میان رفته‌اند. یکی از تغییرات مثبتی که در موازین پناهندگی بطور کلی داده شد این است که اکنون همسر و فرزندان اشخاصی که بر اساس کنوانسیون ژنف و یا بند یک پاراگراف ۶۰ قانون اقامت به عنوان پناهنده پذیرفته شده‌اند نیز بطور اتوماتیک در چارچوب پناهندگی خانوادگی پذیرفته می‌شوند. سابقاً چنین بود که مشکلات بستگان پناهندهٔ پذیرفته شده بر اساس کنوانسیون و پاراگراف نامبرده باید با ادارات خارجیان حل و فصل می‌شد، چرا که تنها بستگان پناهجویان پذیرفته شده بر اساس بند ۱۶ آ قانون اساسی آلمان از پناهندگی خانوادگی برخوردار می‌شدند. این امر باعث این شده بود که بازجویی‌های بی‌معنایی با پناهجویان در ارتباط با راه و مسیر آمدنشان به آلمان صورت میگرفت، چون جایگاه حقوقی اعضای خانواده بستگی به این داشت که پناهجو پناهندگی به اصطلاح «بزرگ» گرفته است یا «کوچک».

## ممنوعیتهای بازگرداندن خارجیان کدامها هستند؟

این تنها افراد تحت تعقیب سیاسی قرار گرفته نیستند که مورد حفاظت و صیانت دولت حقوقی آلمان قرار می‌گیرند. در موارد زیاد دیگری نیز نباید افراد را به کشورهای خود بازگرداند، مثلاً چنانچه خطر شکنجه یا مجازات اعدام آنها را تهدید کند، حتی اگر این تهدیدات به دلایل غیرسیاسی باشند. در عمل بزرگترین اهمیت را در این ارتباط بند هفت پاراگراف ۶۰ قانون اقامت دارد که بر طبق آن ممنوعیت قانونی بازگرداندن پناهجو وجود دارد، آن هم در صورتیکه بطور مشخص خطری برای جان و زندگی وی در کشورش وجود داشته باشد، مثلاً چنانچه وی بیمار باشد و امکانات معالجه در کشورش وجود نداشته باشد و به همین دلیل در معرض خطر مرگ یا آسیبهایی برای سلامتی‌اش قرار داشته باشد. البته دادگاههای آلمان برای اینکه مانع مهاجرت خارجیان به سیستم تأمین اجتماعی این کشور گردند، شرایط سختی را برای این مساله قائل می‌شوند. دلایل دیگر همچنین جنگ داخلی و فجایع طبیعی می‌باشند که بازگرداندن افراد را به کشورشان دست کم بخشاً ناممکن می‌سازند.

## چه مرجعی در مورد پناهندگی یا ممنوعیت بازگرداندن تصمیم می‌گیرد؟

علی‌الاصول ادارهٔ فدرال مهاجرت و پناهندگی در مورد مسائلی که با مسائل داخلی میهن پناهجو در پیوند می‌باشند، تصمیم‌گیری می‌کند. مرکزیت این اداره در شهر نورنبرگ می‌باشد، با شعباتی در ایالت‌های آلمان. ادارهٔ خارجیان مسئول بررسی وجود موانعی که در آلمان برای بازگرداندن پناهجو وجود دارند، می‌باشد. مثال: اینکه آیا یک بیماری معین در وطن پناهجو قابل درمان است، مساله‌ای است که ادارهٔ فدرال پناهندگی و مهاجرت بررسی می‌کند و اینکه آیا خارجی مورد نظر به دلیل بیماری‌اش می‌تواند به کشورش برگردد (یعنی آیا توانایی سفر دارد)، ادارهٔ خارجیان تصمیم‌گیرنده است.

## آیا می‌توان حق پناهندگی را مجدداً از دست داد؟

چنانچه دلایلی که باعث اعطای پناهندگی شده‌اند، در کشور پناهنده دیگر وجود نداشته باشند (برای مثال چنانچه اپوزیسیون سابق پس از انتخابات به حکومت دست یافته باشد)، پناهندگی داده شده ممکن است پس گرفته شود. البته آگاهی به این نکته از اهمیت بالایی برخوردار است: با از دست دادن پناهندگی به این شیوه، اجازهٔ اقامت نیز بطور خودبخودی از دست داده نمی‌شود. چون از دست دادن این موقعیت قانونی تنها برای آینده از اعتبار برخوردار است، به این معنی که تمام مدت اقامت تاکنونی قانونی بوده است. بنابر این کسی که به دلیل طولانی بودن مدت اقامتش حق اخذ «اجازهٔ مقیم شدن» (Niederlassungserlaubnis) و یا به تعبیری دیگر حق گرفتن «اجازهٔ اقامت دائم» (unbefristete Aufenthaltserlaubnis) و یا از طریق ازدواج حق گرفتن «اجازهٔ اقامت» (Aufenthaltserlaubnis) را دارد، می‌تواند اقامت بگیرد. گرفتن این اقامت تنها به دلیل حقوقی دیگری غیر از پناهندگی خواهد بود. پناهندگی همچنین می‌تواند به سبب گرفتن گذرنامه از کشور متبوع بازپس گرفته شود و چنانچه پناهنده طوری رفتار کند که دیگر نیازی به حمایت از سوی دولت آلمان را ندارد.

«آئین‌نامه اعطای اجازه کار» از طرف کابینه دولت آلمان تصویب شد

## ممنوعیت کامل کار خارجیان «دولدونگی» منتفی شد

ترجمه: ناصر ایرانپور

در سوم نوامبر ۲۰۰۴ کابینه دولت آلمان «آئین‌نامه اداری و اجرایی اعطای اجازه کار به خارجیان در حال زندگی در آلمان» را به تصویب رساند. به این ترتیب اوتو شیلی، وزیر امور داخلی این کشور، با نقشه‌اش برای به تصویب رساندن ممنوعیت کامل اشتغال خارجیانی که از «دولدونگی» برخوردارند، با شکست مواجه گردید. شورای پناهندگان ایالت نوردراین-وست‌فالن و خیلی از سازمانهای دیگر با محروم ساختن کامل «دولدونگی‌ها» از بازار کار به شدت مخالفت ورزیدند. البته مهلت یک سال انتظار و همچنین محدودیتهای دیگر کنونی «بخشنامه صدور اجازه کار» بقوت خود باقی خواهند ماند (بند ۵ شماره ۵ «آئین‌نامه اداری و اجرایی اعطای اجازه کار»). بر طبق آئین‌نامه جدید می‌توان در صورت موافقت «آژانس فدرال برای کار» به خارجیان «دولدونگی» اجازه کار داد، چنانچه آنها از یک سال پیش به صورت دولدونگی یا اقامتی زندگی کرده باشند (بند ۱۰). البته با درخواست اجازه کار به خارجیان دولدونگی بر طبق بند ۱۱ می‌تواند مخالفت گردد، «چنانچه آنها به این دلیل به این کشور آمده باشند که بر اساس «قانون کمکهای اجتماعی به پناهجویان» مساعدتهای دولتی و اجتماعی دریافت دارند و یا چنانچه نتوان به اقامت این خارجیان - به دلایلی که خود باعث و بانی آن هستند - پایان‌بخشید. و هنگامی خارجی باعث و بانی این دلیل است که وی موجب ایجاد موانعی برای بازگرداندنش از طریق فریب ادارات دولتی در ارتباط با هویت و تابعیت و ارائه اطلاعات نادرست دیگر شده باشد.»

همچنین با بند ۹ تبصره ۱ همین حکم اداری مهلت انتظار برای کسب مجوز برای پیوستن و ورود آزاد به بازار کار در کل دو سال کاهش می‌یابد، به این معنی که خارجیانی که اجازه کار محدود و معین دارند و به مدت سه سال (قبلاً ۵ سال) در آلمان اشتغال رسمی همراه با پرداخت ماهانه بیمه اجتماعی داشته‌اند و یا به مدت ۴ سال (قبلاً ۶ سال) با اقامتهای نوع «آوفنتهالتس‌ارلایونیس»، «آوفنتهالتس‌بفوکینس» یا «آوفنتهالتس‌گشتاتونگ» در آلمان زندگی کرده‌اند، می‌توانند بدون بررسی وضعیت بازار کار اجازه کار بگیرند.

به همین ترتیب خارجی نیز که اجازه اقامت «آوفنتهالتس‌ارلایونیس» دارد و قبل از اتمام ۱۸ سالگی اش به آلمان آمده باشد، می‌تواند بر طبق بند ۸ اجازه ورود به بازار کار را برای گذراندن یک دوره کار و برای شروع کار بگیرد، اگر وی در آلمان یک مدرسه آموزش عمومی را به پایان رسانده باشد و یا در یک دوره آمادگی برای گذراندن دوره کار («بروفس‌آوسبیلدونگس‌فوربرایتونگ») بر طبق اس.گ.ب. ۲ یا «ب.بی.گ.» با موفقیت شرکت کرده باشد. همچنین در موارد ویژه نیز (بند ۷) و یا پس از یک سال کار پیش یک صاحب کار (بند ۶) می‌توان اجازه کار بدون بررسی وضعیت بازار کار اخذ نمود. این آئین‌نامه که از طرف وزارت فدرال اقتصاد و کار صادر گردیده نیاز به تصویب در پارلمان فدرال و شورای فدرال ایالتها ندارد و به همین خاطر به احتمال قریب به یقین به همین شکلی که در ۳ نوامبر ۲۰۰۴ تصویب گردیده در تاریخ اول ژانویه ۲۰۰۵ به اجرا درخواهد آمد. «آئین‌نامه اداری و اجرایی اعطای اجازه کار به خارجیان» را در صفحه اینترنتی ما نیز در زیر لینک [Rechtsnormen/Rechtsprechung > Verordnungen](#) و یا در دفتر شورا می‌توانید مشاهده نمایید.

تعداد پناهنده در آلمان همچنان کاهش می‌یابد :

## تا آوگوست ۲۰۰۴ بیشتر از ۱۲۰۰۰ مورد پناهندگی اعطا شده پس گرفته شدند

آیا پروسه ابطال پناهندگی برای شهروندان آنگولا، جمهوری دموکراتیک کنگو و ترکیه نیز بزودی آغاز خواهد شد؟

بر طبق اطلاعات کمیساریای عالی سازمان ملل در ۸ ماه اول امسال در آلمان ۱۲.۹۹۵ پرونده ابطال و عودت پناهندگی بسته شده است، تقریباً همه با نتیجه منفی برای پناهندگان، به این معنی که از این عده پناهندگی داده شده پس گرفته شده است. در عین حال به ۲.۳۳۳ درخواست پناهندگی جدید بر طبق بند ۱۶ آ قانون اساسی و ۵۱ قانون خارجیان پاسخ مثبت داده شده است. بدین ترتیب اداره فدرال پناهندگی، پناهندگی بیشتر از پنج برابر تعداد کسانی را که جدیداً پذیرفته شده‌اند را فسخ و ابطال نموده است. اداره پناهندگی روند پس گرفتن پناهندگی پناهندگان سیاسی را از ابتدای ۲۰۰۳ در پیش گرفته است، ابتدا برای افرادی که از کوسوو آمده‌اند و از امسال برای شهروندان افغانی و عراقی. به رسمیت شناختن وجود موانع بازگشت بر اساس بند ۵۳ قانون خارجیان نیز می‌تواند پس گرفته و فسخ شود. البته پس گرفتن پناهندگی اعطا شده بطور خودبخود به معنی بازگشتن پناهجو به کشورش نیست. پس از پس گرفتن پناهندگی، اداره خارجیان بررسی می‌کند که آیا از دارنده پناهندگی اقامت نیز پس گرفته شود یا نه. این اداره در اجرای این مقرر به تشخیص و صلاحدید خود عمل می‌کند. برای تصمیم‌گیری از جمله این امر از اهمیت برخوردار است که آیا شخص مورد نظر کار می‌کند و یا مساعدتهای اجتماعی و دولتی می‌گیرد. (برای کسب اطلاعات بیشتر در این مورد به لینک [Flüchtlingsrat NRW](#) مراجعه شود.)

طبق گزارشات رسمی، اداره پناهندگی اکنون درصدد گشایش دادرسی پس‌گیری پناهندگی شهروندان آمده از آنگولا و جمهوری دموکراتیک کنگو است. دادرسی پس‌گیری پناهندگی پناهندگان آمده از ترکیه نیز دیگر منتفی نیست. در ۳۱ دسامبر سال ۲۰۰۳ ۱۹۰ هزار پناهنده سیاسی پذیرفته شده در آلمان زندگی می‌کردند، که ۱۱۵ هزار نفر آنها بر اساس بند ۱۶ آ قانون اساسی قبول شده‌اند و ۷۵ هزار بر طبق بند ۵۱ تبصره ۱ قانون خارجیان. تنها پناهندگانی که به تابعیت آلمان درآمده‌اند می‌توانند از اطمینان ۱۰۰ درصد برخوردار باشند که بتوانند در آلمان بمانند.

منبع: SCHNELLINFO، خبرنامه شورای پناهندگی ایالت نوردراین-وستفالن، شماره ۱۲ نوامبر ۲۰۰۴ (۱۸/۲۰۰۴)

صفحه اینترنتی شورای پناهندگی ایالت نوردراین-وستفالن: <http://www.fluechtlingsrat-nrw.de/>

تاریخ ترجمه: ۲۴ نوامبر ۲۰۰۴

## عملکرد ادارات در تعارض با قوانین بین المللی

نویسنده: مائول کابیس

مترجم: ناصر ایرانپور

در آلمان دهها هزار خارجی زندگی می کنند که بخشاً سالهاست از اقامت نوع «دولدونگ» برخوردار هستند. «دولدونگ» به این معنی است که این اشخاص مکلف به ترک کشور آلمان هستند، اما به خاطر موانعی که بر سر راه بازگشت یا بازگرداندن آنها وجود دارند، «تحمل» می شوند. دلایلی که چنین وضعیتی را به وجود آورده اند گوناگونند، از جمله شریط جنگ داخلی در کشور مبدأ پناهنده، بیماری و یا عدم در دسترس بودن مدارک لازم چون شناسنامه، پاسپورت، برگه عبور و غیره. از میان برداشتن وضعیت به اصطلاح «دولدونگ پی در پی» یکی از اهداف قانونگذار هنگام تدوین قانون اقامت بود، اما آنها به این هدف دست نیافتند. پاراگراف ۲۵، فصل پنج قانون اقامت که امکان اعطای اقامت به دلایل انسانی موضوع آن می باشد، خواستار این است که برای اعطای اقامت بر چنین اساسی، خارجی خود نباید موجب ایجاد موانع برای بازگشتش شده باشد. بر طبق عملکرد ادارات و بسیاری از دادگاههای اداری، خارجی دولدونگی از اخذ اقامت محروم می گردد، چنانچه ترک خاک داوطلبانه از سوی وی ممکن باشد، اما وی حاضر به این کار نباشد و برای ادارات اینجا نیز فرستادن اجباری وی به کشورش میسر نباشد. بر طبق چنین منطقی مثلاً عراقی ها می توانند از طریق ترکیه به کشورشان برگردند و روما (Roma) به کوسوفو. بر طبق چنین رویه ای عملاً تنها کسانی مقصر عدم بازگشت به کشورشان قلمداد نمی گردند که بستری هستند.

چون چندین دادگاه اکنون دیگر این امر را مورد توجه و بررسی قرار می دهند که آیا بازگشت به کشور را می توان از آن خارجی «دولدونگی» توقع داشت یا نه. چنانچه با توجه به شرایط پناهجوی ردی توقع بازگشت به کشورش بی جا باشد، ممکن است به وی اجازه اقامت (Aufenthaltserlaubnis) داده شود. مبنای تصمیم گیری برای قابل توقع بودن یا نبودن بازگشت اصول قانونمداری (Rechtstaatlichkeit) و تناسب (Verhältnismäßigkeit) مندرج در قانون اساسی و همچنین ماده ۸ کنوانسیون حقوق بشر اروپا می باشد. موضوع این ماده رعایت حق زندگی خانوادگی می باشد. کنوانسیون حقوق بشر اروپا اعتبار یک قرارداد بین المللی برای آلمان و قانون ساده فدرال این کشور را دارد. ادارات و دادگاهها باید در اجرای کنوانسیون نامبرده طوری قوانین داخلی را تفسیر و اجرا کنند که با موازین بین المللی هم خوانی داشته باشند و در صورت گمان این قوانین به شیوه ای تعبیر شوند که با روح و هدف کنوانسیون حقوق بشر اروپا بیشترین قرابت را داشته باشند.

البته، ماده ۸ کنوانسیون حقوق بشر اروپا اساساً اجازه اقامتی اعطا نمی کند، بلکه بنا بر این قرار می دهد که همچون اقامتی اعطا شده است. اما: اگر یک شخص از طریق اقامت طولانی و انتگراسیون اثبات شده مثلاً از طریق اشراف به زبان آلمانی، رفتن به مدرسه، یک نوع بستگی و تعلق شخصی و اجتماعی در این جامعه بوجود آورده باشد و دیگر وابستگی به میهنش (والدین) به این شدت نباشد، پایان دادن به اقامت وی در آلمان اقدامی نخواهد بود که در یک جامعه دمکراتیک به بهانه صیانت از منافع عمومی و امنیت دولتی ضروری و متناسب و به همین اعتبار قابل دفاع باشد. دیوان عالی اروپا برای حقوق بشر در یک مورد دخالت غیر متناسب (شدید) در زندگی خصوصی را رد و غیرقانونی دانست که در آن اشخاص شاکی از اجازه اقامت محروم شده بودند. از این حکم استنتاجات حقوقی لازم برای تعیین وضعیت اقامتی اشخاص «دولدونگی» صورت گرفت.

اما اکثر ادارات خارجی همچون تحول حقوقی جدیدی را نادیده می گیرند. چنین است که ممانعت به عمل آوردن از اخراج «دولدونگی ها» با استدلال قابل توقع نبودن و متناسب نبودن نیاز به مبارزه طولانی در مقابل دادگاههای اداری این کشور دارد. یک نمونه از عملکرد ادارات: یک خانواده کوسوفویی که ۱۳ سال است در آلمان زندگی می کند، متهم به این شده که موجب انتگراسیون خود در این جامعه شده، چون داوطلبانه به کشور خود باز نگشته است. در ارتباط به بچه های این خانواده گفته اند که والدین موظف بوده اند فرزندانشان را از بدو تولد آماده بازگشت کنند و به آنها بفهمانند که آنها نمی توانند در آلمان بمانند. و این یعنی اینکه که آنها موظف بودند که به بچه هایشان شک روانی وارد کنند! بیا به یک بچه بفهمان که: «این کودکستان توست. این مدرسه توست. اینها دوستان تو هستند. اما این میهن تو نیست و زمانی به کشور قبلی خود باز خواهی گشت و مال آنجا هم هستی». چرا برای ادارات این چنین مشکل است با قوانین بین المللی هم خوانی داشته باشند؟ حرف ما اساساً در مورد مهاجرینی است که می خواهند و می توانند در این جامعه جذب و ادغام شوند.

## پرسشهای حقوقی

پاسخ‌دهنده: مانوئل کایس (وکیل دادگستری)

مترجم: ناصر ایرانیپور (مترجم دادگستری)

۱. کی و چگونه می‌توان در دادرسی پناهندگی بیماری (حال چه جسمی و چه روانی) را بعنوان مانعی برای بازگشت طرح نمود؟ اصلاً «مانع بازگشت» چیست و چه فرقی بین «مانع داخلی بازگشت» و «مانع بازگشت در کشور پناهنده» وجود دارد؟

بیماری می‌تواند مانعی برای بازگشت پناهجو قلمداد گردد. هنگامی از «مانع بازگشت در کشور متبوع پناهنده» سخن به میان می‌آید که پناهجو در صورت بازگشت بلافاصله خطراتی سلامتی و جان وی در مهش را تهدید کند، بطور مثال به دلیل عدم وجود امکانات معالجه و هنگامی از وجود «مواع بازگشت داخلی» سخن می‌رود که نتوان پناهجو را به دلیل بیماری‌اش از لحاظ اجرایی و فنی به کشورش بازگرداند، مثلاً به این دلیل که وی بستری است. وجود «مانع بازگشت داخلی» را اداره خارجی‌ان بررسی می‌نماید و وجود «مواع بازگشت در کشور متبوع پناهنده» را اداره فدرال پناهندگی و مهاجرت. البته مرزبندی بین این دو غالباً دشوار است (مثلاً اگر خطر خودکشی پناهنده در کشور متبوعش وجود داشته باشد و این پس از بازگشت وی به کشورش به واقعیت بگراید).

۲. دادگاه عالی اداری ایالتی رایلانداالتس در قراری که مورخه ۲۴ فوریه ۲۰۰۶ صادر نمود و همچنین دیوان عدالت اداری ایالت بادن ورتنبرگ در حکمی که ۱۸ ژانویه ۲۰۰۶ صادر نمود، به این نتیجه رسیدند که باید به پناهجوی‌های شاکی اجازه اقامت به دلیل «انتگرسیون (جذب) عملی» آنها در جامعه اعطا شود. اصلاً «انتگرسیون (جذب) عملی» یعنی چه؟ کی و در چه شرایطی می‌توان همچون درخواستی را نمود؟ آیا دولدونگی‌ها که سالهای مدیدی است در آلمان بسر می‌برند، شانس دارند از این طریق اقامت بگیرند؟ چه نقشی را اینجا کنوانسیون حقوق بشر اروپا ایفا می‌کند و کی احکام نامبرده در نزاعهای حقوقی مربوط به خارجی‌ان و اقامت آنها قابل اجرا هستند؟

«انتگرسیون (جذب) عملی» می‌تواند به استناد به ماده ۸ کنوانسیون حقوق بشر اروپا تحت شرایطی خاص مانعی برای بازگشت پناهجو محسوب گردد. دادگاه عالی ایالتی رایلانداالتس این امکان را در قراری در چهارچوب یک دادرسی صیانت موقت از این حق بطور ضمنی مطرح ساخت. اما تصمیم قاطع در این مورد هنوز گرفته نشده است. دیوان عدالت اداری ایالت بادن ورتنبرگ در حکمی، قراری را که مرجع تحتانی (دادگاه اداری شتوتگارت) داده و در آن در این ارتباط خیلی جلو رفته بود، را بسیار محدود ساخت و گفت که چنین مانع بازگشتی خصلت استثنائی دارد و قابل تعمیم نیست. کنواسیون ژنفا اساساً اقامت اعطا نمی‌کند، بلکه بنا را بر این می‌گذارد که چنین اقامتی وجود دارد. با این وصف، این اندیشه پایه‌ای حقوقی از اهمیتی فراوان برخوردار است، چون سرنخی را برای استدلال عرضه می‌کند. انتگرسیون (جذب و ادغام) عملی در جامعه باید با دقت و در هر مورد مجزا طرح و مدلل گردد. این مساله به ویژه به بچه‌های خارجی‌انی مربوط می‌گردد که هیچ رابطه‌ای با کشور متبوع آن والدینی که ملزم به ترک خاک آلمان شده‌اند را ندارند.

۳. در یک حکم دادگاه اداری ایالت سلزویگ هولشتاین به تاریخ ۱۶ فوریه ۲۰۰۶ تعقیب ویژه جنسی در ایران به رسمیت شناخته شد و طبق این حکم «... شرایط اعطای پناهندگی و اقامت بر اساس پاراگراف ۶۰ بند ۱ قانون اقامت آلمان به این شاکی و پناهجوی ایرانی وجود دارد. (...). دادگاه در اجرای اصول فوق‌الذکر و با عنایت به وضعیت ایران معتقد بود که شاکی بعنوان زنی که یک سبک زندگی معین و برای محیط بیرون قابل رؤیت غربی را دارد و حاضر نیست خود را با تصورات و ارزشهای اسلامی وفق دهد، پس از مراجعت به ایران در شرایط امروزی به احتمال قریب به یقین در معرض تعقیب ویژه جنسی قرار خواهد گرفت. در حال حاضر خیلی از زنانی که پرونده دادرسی پناهندگی آنها بسته شده، دلایل مشابه دارند. به چه میزان چنین حکمی می‌تواند در مورد زنان دیگر قابل اجرا باشد؟

حکم یک دادگاه عالی اداری ایالتی یا دیوان عدالت اداری ایالتی اساساً تغییری در موازین قانونی بوجود نمی‌آورد که بتوان بر اساس آن درخواستهای مجدد پناهندگی را ارائه نمود. اما اداره فدرال پناهندگی می‌تواند به صلاحدید خود در مورد پیگیری مجدد دادرسی پناهندگی دست کم با عنایت به مواع بازگشت بر اساس پاراگراف ۶۰ بندهای ۲ الی ۷ قانون اقامت آلمان تصمیم‌گیری کند. آنچه که در مطبوعات در ارتباط با شدت گرفتن فشارها بر علیه کسانی که موازین پوشش و لباس در ایران را زیر پا می‌گذارند، مطرح شده است، در پیوند با احکام دادگاههای نامبرده می‌تواند دلیلی برای درخواست پناهندگی مجدد باشد. موازین اتحادیه اروپا که در پاییز به قانون ملی کشور مبدل می‌شود، قوانین تبعیض آمیز را بعنوان دلیلی برای تحت تعقیب قرار گرفتن و به همین اعتبار دلیلی برای ارائه پناهندگی می‌پذیرد، چنانچه این قوانین در عمل بر علیه یک گروه معین اجتماعی بکار گرفته شوند. احتمالاً در آینده در ارتباط با تبعیض زنان در ایران دیگر لازم نباشد که هر فرد تحت تعقیب بودن خود را بطور جداگانه به اثبات برساند.

۴. سازماندهی دادگاههای اداری در ایالت نوردراین وستفالن چه تغییراتی یافته است؟ دلیل این امر چه بود؟ چگونه کسانی که این مساله به آنها مربوط می‌گردد مطلع می‌گردند؟ و چه تأثیراتی این تغییرات بر روی پروسه دادرسی پناهندگی خواهد داشت؟

پارلمان ایالتی، قانون (آئین‌نامه) اجرایی نظام دادگاههای اداری این ایالت را تغییر داد. اساساً صلاحیت دادگاههای ایالتی در ارتباط با دادرسی پناهندگی تغییر می‌یابند. برای نمونه بخش بزرگ پرونده‌های پناهندگی موجود در دادگاه اداری گیلزن کیرشن به دادگاه اداری آرتنبرگ، خیلی از پرونده‌های موجود در دادگاه اداری آخن به دادگاه اداری دوسلدورف، پرونده‌های دادگاه اداری مونستر به دادگاه اداری آرتنبرگ، پرونده‌های دادگاه اداری کلن به دادگاه اداری میندن انتقال داده می‌شوند. از طریق تغییر این صلاحیتها اصل موضوع تغییر نمی‌یابد. قانونگذار می‌خواهد از این طریق مدت بررسی پرونده‌ها و انتظار متقاضیان و شاکیان را کوتاه‌تر نماید.

## پرسش و پاسخ حقوقی

پرسش کننده: سایت انتراسیون ایرانیان در آلمان  
پاسخ دهنده: مانوئل کایس، وکیل  
ترجمه از ناصر ایرانبور، مترجم دادگاههای آلمان

شماره: ۲

تاریخ: ۱۴ فوریه ۲۰۰۵

<p>۱. در چه مواردی و بر طبق چه پاراگرافهایی فعالیتهای خارج از کشوری با توجه به تصویب قانون مهاجرت در آغاز امسال منجر به پناهندگی سیاسی می‌شوند؟</p>	<p>فعالیت‌های سیاسی خارج از کشور می‌توانند منجر به ممنوعیت بازگرداندن متقاضی به کشورش بر اساس بند ۶۰ تبصره ۱ و در مواردی بر اساس بند ۶۰ تبصره ۲ الی ۷ قانون مهاجرت شوند. البته محدودیتهای مهمی از این لحاظ در دادرسی و هنگام درخواست مجدد پناهندگی بر اساس بند ۲۸ تبصره ۲ قانون دادرسی پناهندگی ایجاد شده‌اند. این مقرره محدودکننده با عنایت به موازین بین‌المللی علی‌القاعده نباید خیلی دگماتیک تفسیر و اجرا شود، چون در غیر اینصورت با کنوانسیون پناهندگان ژنو در تعارض قرار خواهد گرفت.</p>
<p>۲. چه برخوردی با درخواستهای مجدد پناهندگی که بر طبق قانون قدیم و قبل از ژانویه ۲۰۰۵ به دلیل فعالیتهای سیاسی خارج از کشور به اداره فدرال مهاجرت و پناهندگان ارائه شده‌اند، خواهد شد؟ آیا در مورد درخواستهای آنها بر طبق قانون جدید یا قدیم قضاوت خواهد شد؟</p>	<p>چون هیچ مقرره انتقالی وجود ندارد، قانون جدید در مورد تمام تقاضاهای پناهندگی، که هنوز در مورد آنها تصمیم‌گیری نشده است، اجرا خواهد گردید. در پروسه دادگاهی و اعتراض به حکم اداره پناهندگی زمان تعیین‌کننده برای قضاوت در مورد تغییر یا عدم تغییر مبانی حقوقی و دلایل پناهندگی، زمان مذاکرات دادگاه می‌باشد.</p>
<p>۳. به طور کلی در چه حالتی در مورد درخواستهای قدیمی بر اساس موازین قانونی قدیم تصمیم‌گیری می‌شود؟</p>	<p>در جریان پناهندگی تا جایی که مشخص است در هیچ موردی، دیگر بر اساس قانون قدیم تصمیم‌گیری نمی‌شود. آنچه که در این رابطه تغییر منفی یافته تنها فعالیت خارج از کشور می‌باشد که در قانون جدید دیگر بعنوان دلیل اخذ پناهندگی به رسمیت شناخته نمی‌شود. اما برعکس، در برخی زمینه‌های دیگر شاهد بهتر شدن موازین قانونی هستیم، مثلاً تعقیب ویژه جنسی و یا سرکوب ارگانهای غیردولتی که بر اساس قانون جدید در مورد پرونده‌های قدیمی نیز به اجرا درخواهد آمد.</p>
<p>۴. چه شرایطی را باید دارندگان «دولدونگ» داشته باشند برای اینکه بتوانند بر اساس بند ۵ تبصره ۵ قانون اقامت، اقامت محدود بگیرند؟ چه بر سر دیگر شرایط خواهد آمد، چنانچه شخص دولدونگی بتواند اداره خارجی را قانع کند که وی قادر نیست گذرنامه یا برگه عبور را از سفارتش بگیرد؟ مشخصاً با «شرایط اعطای کلی» که در بند ۵ تبصره ۱ قانون اقامت نامبرده شده‌اند، مانند اجبار گرفتن گذرنامه، تأمین مالی، داشتن کار، عدم گرفتن مساعدهای اجتماعی از دولت و داشتن محل سکونت کافی، چه خواهد شد؟</p>	<p>باید موانع بازگشت دولدونگی همچنان پابرجا مانده باشند، وی از ۱۸ ماه پیش از دولدونگ برخوردار بوده باشد، بازگشت داوطلبانه یا ناممکن و یا غیرقابل توقع باشد. به خاطر آخرین شرطی که اینجا نامبرده شده است، این مقرره در تعداد بسیاری از موارد به دادگاه منجر خواهد گردید. چنانچه موانع بازگشت به دلیل عدم وجود پاسپورت وجود داشته باشد و دولدونگی در این بی‌پاسپورت مقصر نباشد، شرط تهیه پاسپورت در مورد این شخص حذف خواهد گردید. بر طبق بند ۵ تبصره ۳ قانون اقامت «می‌توان» در موارد برشمرده در بند ۲۵ تبصره ۵ قانون اقامت از شرط تأمین مالی و شرایط دیگر صرف‌نظر کرد. تصمیم‌گیری در این مورد بر اساس تشخیص منطبق بر موازین خواهد بود.</p>

<p>بسیاری از ادارات خارجی می‌خواهند جلوی این را بگیرند که سیلی از درخواستها در اول ژانویه ۲۰۰۵ بر سر آنها ببارد و به همین خاطر این مدت‌ها را مخدوش نمودند. علاوه بر این آنها مانند خرگوشایی که جلوی مار نشسته‌اند منتظر بخشنامه‌های وزارتخانه‌های مربوطه و تصمیمات دادگاهها می‌باشند.</p>	<p>۵. دلیل اینکه خیلی از ادارات خارجی دولدونگ را برای ۳ ماه تمدید کرده‌اند چه می‌باشد؟ آیا می‌توان از آن نتیجه گرفت که این ادارات مقداری عقب‌نشینی کرده‌اند، و یا این یکی از عواقب منطقی، اما نخواستہ فشار کاری می‌باشد که قانون جدید برای ادارات خارجی به همراه داشته است؟</p>
<p>بند ۱۱ بخشنامه دادرسی اشتغال برای نخستین بار مقرر نموده که اجازه کار را می‌توان به مثابه تنبیه برای زیر پا گذاشتن وظیفه همکاری جهت از میان برداشتن موانع بازگشت (امتناع از تلاش برای گرفتن گذرنامه از کشور متبوع، ...) از فرد دولدونگی پس گرفت. به هر حال باید به اثبات رسیده باشد که این شخص مقرر قانونی جریحه‌دار نمودن وظیفه همکاری را زیر پا گذاشته است. در هیچ صورت مجاز نیست که اجازه کار را از دولدونگی بدون دلیل تمدید نمود. علاوه بر این صحبت با طرف متقاضی کار برخوردار از اقامت دولدونگی بر اساس بند ۲۸ قانون دادرسی اداری الزامی است. بر علیه سلب اجازه کار اعتراض و شکایت و همچنین در موارد فوری درخواستی برای حمایت حقوقی موقت (Vorläufigen Rechtsschutz) در دادگاه اداری ممکن است.</p>	<p>۶. پس از به اجرا درآمدن قانون جدید اجازه کار خیلی از دولدونگی‌ها تمدید نشده است، هر چند که تعداد نه کمی از آنها سالهاست که شاغل هستند و زندگی خود را از نظر مالی تأمین نموده‌اند. دلیل این چیست؟ می‌توان بر علیه آن کاری کرد؟</p>
<p>بر طبق اطلاعاتی که من گرفته‌ام، وزارت داخله ایالت نوردراین‌وستفالن بر این اعتقاد است که می‌توان از ایرانیان توقع داشت که فرمهای سفارت ایران را پر کنند. خوب، سفارت با این اوراق پر شده چکار خواهد کرد، دیگر این در حوزه اختیارات خارجی (ایرانی) قرار ندارد. سفارت هم ممکن است بخواهد که شخص مربوطه به آنجا مراجعه نموده و با آنها صحبت نماید. بر طبق احکام صادره دادگاه اداری ایالتی مونستر می‌توان انتظار و توقع داشت که زنان ایرانی با روسری عکس بگیرند. در صورتیکه فرد دولدونگی به وظیفه همکاری خود عمل نماید، اما سفارت پاسپورته صادر نکند، تقاضای اجازه اقامت بر اساس بند ۲۵ قانون اقامت موضوعیت پیدا می‌کند.</p>	<p>۷. سوالاتی در باره ایرانیان دولدونگی:</p> <p>در حال حاضر حدود ۴۷۵۰ ایرانی از اقامت نوع «دولدونگ» برخوردار هستند. ادارات خارجی هنگام تمدید دولدونگ آنها، از آنها می‌خواهند، برگهای مربوط به رجعتشان به ایران را داوطلبانه پر کنند. این ادارات این خواسته را «وظیفه همکاری برای روشن کردن هویت و تابعیت» شخص مربوطه می‌نامند. در حقیقت و بر اساس اظهارات برخی از این افراد، سفارت جمهوری اسلامی ایران برای بررسی این درخواست سه شرط قائل می‌باشد:</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>این برگها باید داوطلبانه پر شده باشند. از مواردی گزارش شده که سفارت مدارکی را بررسی نموده که در آنها ذکر شده که تحت فشار پر شده‌اند.</li> <li>مضاف بر این، سفارت ارائه اصل شناسنامه را طلب می‌نماید؛ چیزی که برای خیلی‌ها به دلیل اقامت طولانی در خارج از کشور دیگر بسادگی ممکن نمی‌باشد.</li> <li>حتی اگر مدارک مربوطه پر هم شده باشد، سفارت می‌خواهد که شخص مربوطه به یکی از کنسولگریهای ایران شخصاً مراجعه نماید.</li> </ol> <p>خوب الان این سوال پیش می‌آید، چرا ادارات خارجی با این وضع همچنان فشار می‌آورند، هر چند که آنها در مورد موضع و شیوه برخورد سفارت ایران آگاهی دارند. آیا می‌توان بر علیه این اعمال فشار که از طرف خیلی از ایرانیان تضییق و اذیت و آزار محسوب می‌شود، از لحاظ حقوقی کاری کرد؟</p>

شماره: ۱	پرسشگر: حنیف حیدر نژاد، مددکار اجتماعی
تاریخ: ۱۸ ژانویه ۲۰۰۵	پاسخ دهنده: مانوئل کایس، وکیل مدافع
	مترجم: ناصر ایرانپور، مترجم رسمی دادگاههای آلمان

## ۱. تغییرات مثبت و منفی مفاد قانون از لحاظ پناهندگی:

**تغییرات مثبت:** «پناهندگی خانوادگی» شامل افراد خانواده‌هایی نیز می‌شود که از «پناهندگی کوچک» [پناهندگی اجتماعی] یا «پناهندگی بر اساس بند ۵۱ قانون اتباع خارجی» سابق) برخوردارند؛ فرزندان پناهجویانی که در طول جریان پناهندگی بالغ شده‌اند، نیز اقامت می‌گیرند، در صورتیکه والدین و یا یکی از ولی‌های آنها از حق ممنوعیت بازگرداندن به کشورشان («آبشیونگس شوتس») برخوردار باشند؛ تعقیب ویژه جنسی و تعقیب غیردولتی نیز بعنوان دلیل پناهندگی به رسمیت شناخته می‌شوند (اما شرایط پذیرش پناهندگی به این دلایل خیلی سخت می‌باشند). از لحاظ قانون خارجی به اشخاصی که از اقامت نوع «آوفنتهالتس به فوگنیس» برخوردار بوده‌اند پس از ۵ سال (به جای قبلاً ۷ سال) بهترین نوع اقامت برای مقیم شدن، یعنی اقامت نوع «نیدرلاسونگس ارلاوبنیس»، را می‌دهند؛ همسران کسانی که پناهندگی دارند و یا آلمانی هستند نیز می‌توانند حتی اگر مساعدتهای اجتماعی («سوسیال هیلفه») نیز دریافت کنند، اجازه اقامت «آوفنتهالتس ارلاوبنیس» دریافت کنند. برای شهروندان کشورهای اتحادیه اروپا و شهروندان کشور ترکیه که از شرایط ویژه برخوردارند، تنها داشتن گواهی اقامت کافی می‌باشد.

**تغییرات منفی:** قانون جدید هیچ موازینی را در ارتباط با تعیین تکلیف کسانی که سالهاست بر مبنای «اقامت دولدونگی» در آلمان زندگی می‌کنند، دربر ندارد. حل و فصل مشکل اقامتی این عده از طریق اعطای اقامت نوع «آوفنتهالتس ارلاوبنیس» نامشخص مانده است و از همین اکنون در مرحله اجرای آن برخوردهای متفاوتی را از طرف ادارات خارجی نسبت به این موضوع بوجود آورده است. چنانچه بازگشت داوطلبانه پناهجوی «دولدونگی» غیرممکن یا به دلیل سخت و مشکل بودن آن غیرقابل توقع نباشد، ادارات خارجی متعددی به این درخواستها پاسخ منفی خواهند داد. در قانون جدید بعنوان مجازات قید گردیده که از اشخاص «دولدونگی» که در ارتباط با تهیه گذرنامه کشور خودشان با این ادارات همکاری نکنند، اجازه کار آنها بازپس گرفته می‌شود. برای اخذ اقامت «نیدرلاسونگس ارلاوبنیس» (که ترکیبی از اقامت دائم «آوفنتهالتس ارلاوبنیس» و «آوفنتهالتس برشتیگونگ» می‌باشد) معمولاً باید ۶۰ ماه بیمه بازنشستگی پرداخت شده باشد (همچنین به موازین انتقالی در این زمینه توجه شود!). مقررات قانونی اجازه کار خیلی پیچیده و ناشفاف می‌باشند.

## ۲. درخواست پناهندگی مجدد («آزول فولگه انتراک») - معنی و مفهوم، شرایط و مهلت آن:

درخواست مجدد پناهندگی، بازگشایی دادرسی و پرونده بسته شده پناهندگی می‌باشد، آنها به دلیل فاکتها یا مدارک اثباتی جدیدی که در جریان اولیه پناهندگی موجود نبوده‌اند، در مورد آنها اطلاعاتی در دست نبوده و یا قابل دسترسی نبوده‌اند. قانون مهاجرت، مقررات تاکتونی لازم جهت مجاز بودن درخواست مجدد پناهندگی را تغییر نداده است. اما در برخی از موارد در موضوع می‌توان فکر کرد که آیا پذیرش تعقیب ویژه جنسی و غیردولتی بعنوان دلیل پناهندگی بمثابة فاکتهای جدید به رسمیت شناخته می‌شوند یا نه (چرا که همانطور که فوقاً نیز اشاره گردید، قانون از این لحاظ فرقی با قبل کرده است). مهلت برای ارائه درخواست مجدد پناهندگی حداکثر سه ماه پس از کسب اطلاع از دلیلی که برای بازگشایی پرونده و جریان پناهندگی ارائه می‌گردد، می‌باشد.

## ۳. آیا پناهجویانی که درخواست پناهندگی‌شان رد شده است و بیشتر از ۱۸ ماه است که «دولدونگ» دارند، شانس برای گرفتن اجازه اقامت «آوفنتهالتس ارلاوبنیس» دارند؟ به چه شیوه؟ آیا بطور اتوماتیک یا باید آنها رسماً تقاضا نمود؟ پیش چه ارگانی؟ شخصاً یا از طریق یک وکیل مدافع؟

«دولدونگی»ها اکنون تحت شرایط محدود و معینی این امکان را دارند، اجازه اقامت محدود «آوفنتهالتس ارلاوبنیس» دریافت دارند: ۱۸ ماه دولدونگ، موجود بودن موانع بازگرداندن شخص به کشورش به طور ادامه‌دار، غیرممکن یا غیرقابل توقع بودن بازگشت داوطلبانه وی به کشورش، در صورتیکه خود باعث و بانی این موانع نبوده باشد. جزئیات آن اما خیلی مورد اختلاف و بحث انگیز می‌باشد. اجازه اقامت «آوفنتهالتس ارلاوبنیس» تنها پس از درخواست رسمی اعطا می‌گردد (ادارات خارجی موظف به مشاوره و دادن اطلاعات در این موارد نیستند). کسی که بخواهد در جای بدی صرف‌جویی کند، می‌تواند این کار بدون وکیل هم انجام دهد؛ اینکه این قانون خیلی بغرنج و پیچیده است و برای کارشناسان حقوقی و اهل فن طراحی گردیده است، موارد بالا نشان می‌دهد.

## ۴. آیا به اصطلاح «دلایل پس از فرار از کشور» و یا فعالیتهای خارج از کشوری به عنوان دلیلی برای پناهندگی برسمیت شناخته می‌شوند؟ اگر چنین است، آیا این بر اساس کنوانسیون ژنو داده می‌شود؟

فعالتهای خارج از کشوری اساساً تنها در جریان دادرسی و پرونده پناهندگی مجدد («آزول فولگه فرفارن») بعنوان دلیل پناهندگی متفی شده است. اما این فعالتهای در چهارچوب بررسی وجود موانع بازگرداندن پناهجو به کشورش در نظر گرفته خواهد شد.

## ۵. آیا تمام ادارات اتباع خارجی و کارمندان آنها در مورد قانون جدید به خوبی و بطور کافی اطلاعات کسب نموده‌اند؟ آیا خارجیانی در این ادارات با مشکل و تفاوت در برخورد و بررسی پرونده‌ها روبرو خواهند شد؟ چه کاری را می‌تواند در چنین شرایطی انجام داد؟ این مسئله در مورد وکلا به چه ترتیب است؟ آیا آنها به اندازه کافی آمادگی این کارها را دارند؟

در ادارات خارجی هنوز سردرگمی‌های فراوانی وجود دارد، چون تقریباً همه موازین قانون مربوط به خارجیانی تغییر یافته‌اند و موارد نامشخص زیادی وجود دارند. با این وصف آموزش کافی کارکنان ادارات خارجی تقریباً در همه جا تأمین و تضمین گردیده است. اما تا جایی که این مسئله به وکلا برمی‌گردد، باید به اشخاصی مراجعه نمود که از این لحاظ بطور مشخص تجربه و دانش تخصصی لازم را دارند. کسی که تخصصش قانون خارجی نباشد، با این قانون مشکل پیدا خواهد کرد. کسانی که موضوع اصلی کارشان قانون خارجی است، طبعاً بطور مستمر در حال خودآموزی هستند.

.۱

**حقوق پایه‌ای شهروندان در جمهوری فدرال آلمان در کجا درج و توضیح داده شده‌اند؟**

حقوق پایه‌ای در آلمان در ماده‌های ۱ تا ۱۹ قانون اساسی این کشور قید شده‌اند. همچنین حقوق اساسی ایالتها هم حاوی بخشی از این حقوق می‌باشند. حقوق اساسی تقسیم می‌شوند به «حقوق پایه‌ای هر کس» و «حقوق پایه‌ای شهروندان». بنابراین حقوقی وجود دارند که بلاواسطه و منحصرأً به آلمانیها تعلق دارند (آزادی تجمع)؛ اما این حقوق به حکم مقررۀ ماده ۱ قانون اساسی که مربوط به خدشه‌ناپذیر بودن حیثیت و شأن انسانی است و همچنین به موجب ماده ۲ بند ۱ که مربوط به آزادی عمل می‌باشد، بطور غیرمستقیم برای خارجیان مقیم این کشور هم تأمین و تضمین گردیده است. اما محدودیتهایی که در این زمینه‌ها وجود دارند برای خارجیان بیشتر از آلمانیها می‌باشند. «حقوق پایه‌ای هر کس» صرف نظر از تعلق ملی معتبرند (برای نمونه آزادی بیان، آزادی دین). علاوه بر این، حق پایه‌ای وجود دارد، که تنها خارجیان می‌توانند از آن استفاده کنند، آن هم حق پناهندگی بر اساس ماده ۱۶ آ قانون اساسی این کشور می‌باشد.

**۲. آیا کتاب قانونی در مورد «حقوق و وظایف» از یک طرف شهروندان و از طرف دیگر ادارات و پرسنل دولتی وجود دارد، آنجا که مسئله به «رابطۀ شهروندان با دولت و ادارات» برمی‌گردد؟ کجا می‌توان این موازین را یافت؟**

رابطۀ حقوقی بین دولت و شهروندان آن چنان متنوع و بغرنج هستند که نمی‌توان آنها را در یک قانون معین گنجانند. البته برای نحوه رفتار دولت با شهروندان قواعدی وجود دارند. این موازین در قانون دادرسی اداری (Verwaltungsverfahrensgesetz (VwVfG)) و بخشاً در آئین‌نامه دادگاه اداری (Verwaltungsgerichtsordnung (VwGO)) قید گردیده‌اند. این موازین اداری برای قوانین مربوط به تأمین اجتماعی نیز معتبرند. قوانین اداری به «قوانین اداری عمومی» و «قوانین اداری ویژه» تقسیم می‌گردند. «قوانین اداری عمومی» شامل قواعد کاری ادارات و وظایف و حقوق شهروندان در برابر ادارات دولتی می‌باشد. «قوانین اداری ویژه» حاوی موازین بخشهای مختلف چون قانون خارجیان، قانون پلیس و انتظامات، قانون ادارات اقتصادی، قانون بناسازی دولتی، قانون مدرسه و قانون کارمندان می‌باشد. در این رابطه صدها قانون، آئین‌نامه و اساسنامه از سطح فدرال گرفته تا سطح شهرداریها وجود دارند.

**۳. آیا نکات و قواعد ویژه‌ای برای شهروندان غیر آلمانی وجود دارند؟ آیا وضعیت اقامتی افراد نقشی در این زمینه بازی می‌کند؟**

اقامت، ورود به این کشور و اشتغال خارجیان تابع مقررات ویژه هستند که من جمله در قانون اقامت، قانون اتحادیه اروپا برای آزادی رفت و آمد و در قانون دادرسی پناهندگی قید گردیده‌اند. وضعیت اقامتی در قانون تأمین اجتماعی نقش بزرگی را ایفا می‌کند. برای نمونه هر خارجی پول بچه، پول تربیتی دریافت نمی‌کند.

۴.

#### چه تعریف حقوقی در مورد «تبعیض» وجود دارد؟ در این حالت چکار می‌توان کرد؟

منظور از تبعیض، برخورد نابرابر بخاطر ویژگیهای شخصی معین چون جنس، اصل و نصب، سن، معلولیت و جهتگیری جنسی می‌باشد. دولت فدرال و مجلس فدرال در حال حاضر روی لایحه «قانون ممنوعیت تبعیض» کار می‌کنند که در آن حق جبران خسارت گنجانده شده است.

#### ۵. کجا می‌توان بر علیه «کار بد» یا «برخورد بد» کادر اداری اعتراض نمود؟ آیا کمیسیون اعتراض رسمی

##### وجود دارد؟

ابتدا راه قانونی اعتراض اداری وجود دارد، به این معنی که شهروند می‌تواند از ارگان و مسئول بالاتر از شیوه برخورد این اداره یا مسئول معین شکایت کند. این عمل Dienstaufsichtsbeschwerde نام دارد. مقامات بالاتر باید در چنین حالتی بررسی کنند که آیا کارمند مربوطه از لحاظ موازین کاری و برخورد خطایی انجام داده است و یا به شیوه دیگری عملی انجام داده که شاکه شکایت کرده است. ایالتها می‌توانند علاوه بر این در آئین‌نامه‌های شهری قید کنند که شورای شهرها یا ادارات حوزه‌ها [متشکل از چند بخش و شهرک] کمیسیونهای بررسی اعتراض تشکیل دهند. برای نمونه آئین‌نامه شهری ایالت نوردراین‌وست‌فالن در پاراگراف ۲۴ خود به هر کسی این حق را داده که با پیشنهادات و اعتراضات خود به شورای شهر و یا شهرداری منطقه شهری مراجعه کند. پاراگراف ۵۷ آئین‌نامه شهری این ایالت تشکیل کمیسیونهای مربوطه را آزاد اعلام کرده است. خود ادارات هم می‌توانند نهادهای بررسی اعتراضات شهروندان را در جهت بهبود سرویس‌دهی به مردم تشکیل دهند. برای نمونه قرار است در دورتموند دفتر ممنوعیت تبعیض (اسم دقیق آن بعداً تعیین می‌گردد) ایجاد شود، در زاربروکن دفتر ویژه‌ای برای مسائل مهاجرین ایجاد گردیده است.

#### ۶. عبارت «تصمیم‌گیری بر اساس تشخیص خود کارمند» به چه معنی است؟ چه کسی توضیح بیشتری در

مورد آن داده است؟ از کجا می‌توان تشخیص داد که کارمندی از این آزادی تصمیم‌گیری به سود

شهروند بهره برده یا نبرده است؟ چه مکانیسم کنترلی روی این نوع تصمیم‌گیری وجود دارد؟

یکی از تشریحات «آزادی تصمیم‌گیری کارمند بر اساس تشخیص شخصی خود» بدین گونه می‌باشد: «مشخصه درپیش‌گیری همچون رویه‌ای این می‌باشد که به اداره‌ای برمبنای موازین حقوقی موجود

آزادی عمل اعطا می‌گردد تا از میان چندین تصمیم از لحاظ قانونی مجاز و ممکن بعد از سبک‌سنگین کردن مسائل و منافع عموم از طرفی و منافع فرد از طرفی دیگر تصمیمی اصولی مربوط به مسئله بگیرد» (مقایسه کنید شتلکنس/بونک/ساکس، قانون دادرسی اداری، پاراگراف ۴۰ توضیح حاشیه‌ای ۱۳). اینکه از این آزادی عمل چگونه استفاده می‌شود، سوال بسیار حقوقی است که نمی‌توان به کوتاهی به آن پاسخ داد. مهم این است که اداره در حالت عادی باید حکمی کتبی صادر کند، چنانچه می‌خواهد درخواست مشخص یک شهروند را رد کند و یا برعکس در صدد است به وی حکم کند که به شیوه معین رفتار کند. این احکام و دستورالعمل‌ها تابع قواعد مشخص بررسی توسط ادارات بازرسی و دادگاههای اداری هستند. برای بررسی تصمیمات اداری و شروع و اجرای دادرسی اعتراض قانونی، هر کسی این امکان را دارد به وکیل مراجعه کند. در انتخاب وکیل حقوقی اما باید دقت نمود، چون هر وکیلی از لحاظ حقوق و قانون اداری تخصص و فعالیت ندارد.

#### **۷. چه نقشی را «فدرالیسم» و سطوح مختلف حکومتی در آلمان در پروسه‌های مختلف تصمیم‌یابی می‌توانند بازی کنند؟**

حوزه‌هایی از حقوق وجود دارند که تنظیم و تعیین آنها تا اندازه‌ی خیلی زیادی بر عهده ایالتها گذاشته شده‌اند. قوانین مربوط به آموزش و پرورش و مدارس آموزش عالی از جمله آنها هستند. به این خاطر ممکن است که ایالتها نظامهای آموزشی مختلف و مواد درسی گونه‌گونی را داشته باشند. اما در مورد آن قوانینی که فدرال هستند، برای ایالتها و شهرها تنها حق تفسیر و اجرای این قوانین باقی می‌ماند. البته عمل اداره مربوطه تا اندازه‌ی زیادی طبعاً به موضع سیاسی وزارت ایالتی مربوطه می‌گردد. در کنار قانونگذاری فدرال و ایالتی ماده ۲۸ قانون اساسی آلمان خودگردانی شهرها را تضمین نموده است. بنابراین اینجا سطح دیگری نیز به سطوح تصمیم‌گیرنده اضافه می‌گردد. موازین قانونی که شهرها صادر می‌کنند، اساسنامه (Satzung) نام دارند.

# اطلاعاتی برای پناهندگان بر خوردار از «دولدونگ»

نوشته مانوئل کابیس | وکیل دادگستری  
ترجمه ناصر ایرانپور | مترجم دادگستری

**اقامت به دلایل انسانی: آیا اداره خارجی مجاز است که همچنان به کسی که مکلف به ترک کشور است، دولدونگ اعطا کند، چنانچه وی بیشتر از ۱۸ است که دولدونگ می گیرد؟**

قانونگذار می خواسته با قانون مهاجرت پدیده «دولدونگهای پی در پی» را تا جایی که ممکن است از میان بردارد. به همین جهت علی القاعده می باید به اشخاصی که موظف به ترک خاک هستند و بیشتر از ۱۸ ماه است که دولدونگ دارند، به جای دولدونگ اجازه اقامت نوع Aufenthaltserlaubnis اعطا کنند. البته علاوه بر شرط سپری شدن ۱۸ ماه از دولدونگ باید شرایط دیگری هم وجود داشته باشند. مخصوصاً اینکه خارجی مربوط خود مقصر بازنگردانش نباشد، بدین معنی که موانعی که برای بازگشت وی وجود دارند، خود ایجاد کرده باشد. مثلاً کسی که اطلاعات اشتباهی در ارتباط با اسم و مشخصات خود در اختیارات اداره خارجی قرار داده باشد و به همین جهت نتوان وی را به کشورش بازگرداند، اجازه اقامت (Aufenthaltserlaubnis) نخواهد گرفت. اکثر ادارات خارجی مفهوم مقصر بودن خارجی را خیلی گسترده تفسیر می کنند، مثلاً مراجعات مکرر به سفارت کشور متبوع برای اثبات تلاشهای صورت گرفته جهت اخذ گذرنامه یا مدارک مشابه از نظر آنها کافی نیستند. و یا اینکه امتناع خانمهای ایرانی برای سرکردن روسری جهت گرفتن عکس بعنوان تقصیر و ایجاد موانع توسط خارجی تفسیر می گردد، در صورتیکه سفارت ایران در پی آن پاسپورتی صادر نکند. در انتها آنچه که اهمیت دارد شرایط خاص هر فرد است که به دقت مورد بررسی قرار می گیرد.

## آیا اداره خارجی مجاز است اشتغال خارجی دولدونگی را ممنوع نماید؟

آری، اما تنها در مواردی که قانون دقیقاً برشمرده است. بند ۱۱ «آئین نامه اجرایی اشتغال» مقرر نموده که اشتغال می تواند ممنوع گردد، چنانچه شخص دولدونگی که موظف به ترک خاک شده است، خود آگاهانه موانعی را سر راه بازگرداندنش به کشور ایجاد نماید، مثلاً از طریق در اختیار گذاشتن اطلاعات غلط در مورد هویت خود. عملاً بسیاری از ادارات خارجی از این مقرر چون ابزار فشاری بر علیه خارجی دولدونگی استفاده می کنند، درحالیکه این مد نظر قانون مربوطه نبوده است. قانون تنها می گوید که از اشتغال کسانی باید جلوگیری کرد که خود آگاهانه مانع خروج از کشور می شوند. صرفاً عدم وجود گذرنامه و یا اینکه مدعی شود که خارجی به اندازه کافی برای گرفتن گذرنامه تلاش نمی کند، از نظر قانون نامبرده کافی نیست. مهم این است که برای ایجاد ممنوعیت اشتغال شرایط سخت تری به نسبت رد نمودن اجازه اقامت (Aufenthaltserlaubnis) به دلایل انسانی وجود داشته باشد. مثلاً اگر اداره خارجی درخواست کسب اجازه اقامت خارجی دولدونگی را به این دلیل رد کند که گویا شخص مربوطه آخرین بار یک سال پیش تقاضای صدور پاسپورت را نموده و نه اهل فامیل و نه وکیل را در کشورش مأمور این ساخته، برایش شناسنامه بگیرند، دیگر این ممنوعیت نباید همزمان شامل صدور اجازه کار برای وی نیز بشود. بنابراین کم کاری خارجی در خصوص تهیه گذرنامه کشور خودش برای امتناع از اعطای اجازه کار کافی نیست، چون آئین نامه مذکور در این ارتباط دادن آگاهانه اطلاعات غلط در مورد هویت و مشخصات خود را نام می برد و نه مثلاً عدم همکاری خارجی برای گرفتن پاسپورت کشور متبوع را. و هر دلیلی که اداره خارجی برای ایجاد ممانعت اشتغال خارجی دولدونگی می آورد، باید هم وزن دلیل و نمونه آورده شده در آئین نامه نامبرده باشد.

## اقامت طولانی دلیلی برای کسب اجازه اقامت؟

خارجیانی که هفت سال است که اجازه اقامت (Aufenthaltserlaubnis) دارند (و این طبق قانون قدیم می تواند شامل اقامت نوع Aufenthaltsbefugnis هم باشد)، می توانند اجازه مقیم شدن دائمی (Niederlassungserlaubnis) را بگیرند. کسب این نوع اقامت شرایط خاص خود را دارد. برای نمونه باید به مدت ۶۰ ماه بیمه بازنشستگی پرداخت شده باشد. البته کسی که قبل از اول ژانویه ۲۰۰۵ اجازه اقامت Aufenthaltserlaubnis و Aufenthaltsbefugnis داشته است، نباید الزاماً این شرایط سخت را داشته باشد. برای این دسته از خارجی باید مدت زمانی که آنها قبل از اول ژانویه ۲۰۰۵ دولدونگ داشته اند و پرونده پناهندگی شان بسته نبوده است بطور کامل حساب شود. علاوه بر این، برای آنها شرط پرداخت ۶۰ ماه بیمه بازنشستگی نیز حذف می گردد.

## آیا به سبب انتخابات پارلمان فدرالی که اخیراً در آلمان برگزار گردید، چیزی از قانون خارجی تغییر خواهد نمود؟

در آینده قابل پیش بینی احتمالاً نه. قانون مهاجرت مصالحه ای بود بین دو حزب بزرگ که احتمالاً حاکمیت فدرال را به دست خواهند گرفت. در پی این مصالحه کل قوانین مربوط به خارجی و پناهندگی از نو تدوین گردید و به همین جهت در حال حاضر نیازی به تغییر مجدد آن احساس نمی شود. البته بخشهایی وجود دارند که از طریق احکام و بخشنامه های وزارتخانه ها می توانند تغییر یابند (موارد مانده از قبل). اینجا آنچه که نقش مهمتری بازی می کند، موضع سیاسی وزیر مربوطه است. چون کارکرد تکنونی آنها در این ارتباط چندان آژادمنشانه نبوده است، احتمالاً عملکرد آنها از این بدتر نخواهد شد. البته امیدی برای بهبود بخشیدن به وضعیت موجود نیز نباید داشت.